پرسشی از شهروند

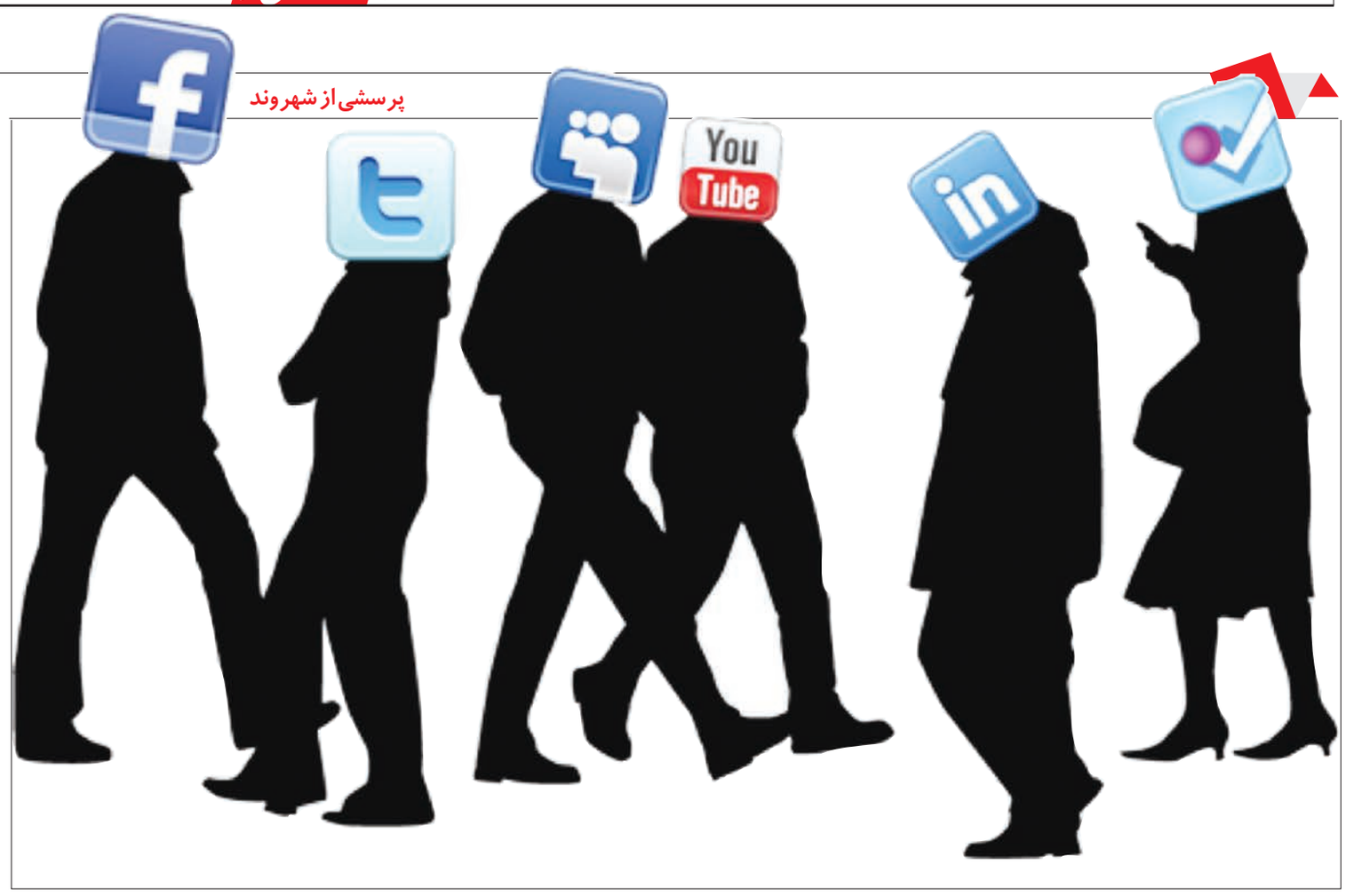

نظر کاربران درباره اختصاص ۹ ساعت در روز به شبکه‌های اجتماعی

هجرت ایرانیان از عالم واقع به عالم مجاز

طرح نو| شاید دقیقا معلوم نباشد از چه زمانی ارایه آمار و ارقام در ایران با چالش مواجه بوده است، اما حالا مدت‌هاست که وقتی آماری ارایه می‌شود، مردم با دیده شک و دودلی به آن می‌نگرند و شاید باید دلیل اصلی این آمار را در عدم وجود تحقیقات متقن و اصولی دانست. حالا محمدرضا رستمی، مشاور وزیر ورزش و جوانان نیز با بیان این‌که میانگین استفاده روزانه ایرانی‌ها از شبکه‌های اجتماعی ۹ ساعت است، بار دیگر قدم در این راه گذاشته و از هرسو نظرات را در این خصوص به خود معطوف کرده است. این آمار در شبکه‌های اجتماعی نیز واکنش‌های متفاوتی داشته است. حتی جوان‌هایی که ساعت‌های زیادی را با وایبر و تلگرام می‌گذرانند، معتقدند که این عدد نمی‌تواند واقعی باشد چراکه خواب، کار یا تحصیل هم زمان زیادی می‌برد و اگر قرار باشد حتی به‌صورت میانگین ۹ ساعت هم در شبکه‌های اجتماعی صرف شود، بدون‌شک روز، دیگر ۲۴ ساعت نخواهد بود. ما نیز نظرات برخی را در این راستا جویا شدیم که در میانشان بودند افرادی که قاطعانه این رقم را تأیید می‌کردند، هرچند تعدادشان در قیاس با مخالفان بسیار کم بود. چنانچه برخی این رقم را نوعی شوخی دانستند. «**مهدی**» از آن دسته افراد است. او معلم است و می‌گوید این ساعاتی که اعلام شده واقعا خنده‌دار است و اگر کسی دچار اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی باشد شاید در این حدود از وقتش را صرف این فضا کند در غیر این‌صورت این امر محال است. او می‌گوید من معلم دبستانم و حالا برخلاف گذشته بسیاری از بچه‌ها در سنین پایین از اینترنت و وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند، اما ۹ ساعت در شبانه‌روز واقعا رقم عجیبی است. یعنی افراد تنها ۳ ساعت از وقت خود را به امور دیگر می‌پردازند؟ کی می‌توانند بخوابند؟ او همچنین درخصوص میزان استفاده خودش از اینترنت و همچنین شبکه‌های گوناگون می‌گوید: «هرچند هیچ‌وقت نسبت به ساعات استفاده از شبکه‌های اجتماعی دقیق نبوده‌ام اما شاید در بیشترین حالت حدود ۳ ساعت در شبانه‌روز بوده باشد و فکر می‌کنم این میزان تا حدی معقول است چراکه بسیاری از ما حالا اخبار و اطلاعاتمان را حتی از این شبکه‌ها به دست می‌آوریم و همین هم باعث می‌شود تا وقت بیشتری را برای گذران وقت در این فضا به‌کار بریم اما درنهایت من هرگز با ۹ ساعت در شبانه‌روز موافق نیستم و به‌گمانم باید پایه‌های به‌دست آمدن این رقم به‌دقت بررسی شود.»

«**سعید**» این رقم را با توجه به سرعت اینترنت در ایران اشتباه دانسته و با خنده می‌گوید: «با این وضع سرعت اینترنت در ایران بعید هم نیست که ما ۹ ساعت در شبکه‌های اجتماعی بچرخیم اما قطعا از این ۹ ساعت ما یک ساعت کار مفید انجام می‌دهیم. اگر مسئولان خیلی نگران این وقت‌های تلف‌شده هستند، بهتر است فکری به حال اینترنت کنند تا این اعداد به مراتب کمتر شود. وقتی باز شدن یک صفحه ساده در اینترنت ۳ دقیقه وقت می‌برد، خودتان حساب کنید که چقدر از این زمان بیهوده تلف می‌شود.»

«**غزاله**» کاربر دیگری است که اتفاقا در همه شبکه‌های اجتماعی صفحه دارد. خودش می‌گوید زمان زیادی را صرف چک کردن صفحات مختلف می‌کند اما مطمئن نیست که تمام این زمان‌ها روی هم رفته ۹ ساعت از وقتش را بگیرد. برای همین فکر می‌کند که تا حدی اغراق شده. او معتقد است، شاید در شهرهای بزرگ این اتفاق بیفتد اما شهرهای کوچک این قاعده را ندارند. همه‌چیز که در تهران خلاصه نمی‌شود. بعد هم با این وضع فیلترها به‌مراتب موقعیت‌های کمتری برای حضور در شبکه‌های اجتماعی فراهم می‌شود.

«**دنیا**» اما ازجمله افرادی است که وقتی این عدد را می‌شنود خیلی عادی برخورد می‌کند و می‌گوید ۹ ساعت که نه حتی به‌نظرم آدم‌ها خیلی بیشتر هم در شبکه‌ها هستند. بعد هم با حالت گلایه تعریف می‌کند که تازگی بازار رفته و دیده که همه فروشنده‌ها سرشان توی گوشی بوده. «وقتی از هرکدامشان قیمت می‌پرسیدم بدون این‌که سرشان را بالا بیاورند قیمت را می‌گفتند. آدم جرأت نمی‌کند سوال بیشتر بپرسد. قبلا فروشنده‌ها منتظر مشتری بودند که به او خوشامد بگویند اما الان وضع خیلی فرق کرده. در میهمانی هم وضع همین‌طور شده. اول میهمانی همه با هم خوش‌وبش می‌کنند اما درنهایت یک ساعت که می‌گذرد همه دوباره در لاک خودشان می‌روند و با گوشی‌هایشان سرگرم می‌شوند.» در این میان افراد بسیاری هم هستند که از فضاهای مجازی به دورند. نه علاقه‌ای به حضور دارند و نه برایشان دارای اهمیت است. «**علیرضا**» یکی از آن افراد است. او با این‌که ۲۶ساله است، تنها در اینستاگرام صفحه دارد و هر روز فقط سری به آن می‌زند. با این حال می‌گوید: «من منکر این نمی‌شوم که آدم‌ها این روزها در شبکه‌های اجتماعی زیاد فعال شده‌اند و زمان زیادی می‌گذارند. اما من با این آمارها کلا مشکل دارم. انگار که منبع موثقی نداشته باشند و صرفا برای بزرگنمایی مطرح می‌شوند. اصلا اگر هم واقعیت داشته باشد که صرف مطرح‌کردن یک موضوع دردی را دوا نمی‌کند. باید راهکار هم ارایه شود و از این بزرگنمایی‌ها دست برداشته شود.» «**سارا**» هم می‌گوید: به‌نظرم در این مورد اغراق شده. شبکه‌های اجتماعی قطعا به اندازه ۹ساعت نمی‌توانند جذاب باشند. به‌خصوص که سرعت اینترنت هم آدم را کلافه می‌کند. هر روز هم که یکی از این شبکه‌ها فیلتر می‌شوند و آدم را عصبی می‌کند. خودِ من وقتی می‌بینم شبکه‌ها اختلال دارند سعی می‌کنم بروم و سرم را با کارهای دیگر گرم کنم. این هم از مشکلات جامعه ما است که می‌خواهد با فیلتر جوان‌ها را از پای شبکه‌های اجتماعی بلند کند.

تاکسی نوشت

درباره شغل مجهول روزنامه‌نگاری

از میدان صادقیه به سمت خیابان مطهری

راننده آژانس دم‌در ایستاده. برخلاف تصوراتم که منتظر دیدن یک راننده مرد هستم، دختری پشت‌فرمان نشسته که ۲۷سال بیشتر ندارد. آدرس را می‌پرسد و سر صحبت را از همان ابتدای مسیر شروع می‌کند. آدم خوش‌مشربی است و تمام طول راه حتی یک‌دقیقه هم به سکوت نمی‌گذرد. همان‌طور که به‌سادگی از خودش می‌گوید و زندگی‌اش و شغلی که کمتر برای زنان معمول است، از من هم می‌پرسد و با دقت و تعجب گوش می‌دهد.

– من این‌جا زیاد همکاراتون‌رو سوار می‌کنم اما هنوز دقیقا نمی‌دونم شما تو روزنامه چی کار می‌کنید؟ یعنی این همه نوشته و مطلب رو شماها می‌نویسید؟

– تقریبا. البته خب بعضی از اخبار هم هستند که از روی خبرگزاری‌ها برداشته می‌شن اما هر روز بچه‌ها مصاحبه و گزارش می‌نویسند.

– واقعا؟ پس کار سختی دارید. حالا این همه زحمتی که می‌کشید براتون به‌صرفه هم هست؟ حتما همتون بالای سه‌تومن حقوق می‌گیرید!

– می‌تونیم سه‌میلیون درآمد داشته باشیم به شرط این که چهار جا کار کنیم. اونوقت اگر همه‌جاهایی که باهاشون کار می‌کنیم خوش‌حساب باشند، ممکنه که سه‌تومن درآمد داشته‌باشیم.

– چهار جا؟! خب یهو بگو نمیشه سه‌تومن درآمد داشته باشین دیگه! حالا از شغلتون راضی هستید؟

– خب همه‌چیز نسبیه. اما روزنامه‌نگارا بیشتر از این‌که از شغل و شرایط کارشون راضی باشند، کارشون‌رو دوست دارند. شما چی از شغل و درآمدتون راضی هستید؟

– واقعیت اینه که من الان خیلی پول نیاز دارم. نه که می‌خوام یه عمل معده کنم واسه لاغری، باید یک کار خوب داشته باشم. با همین رانندگی ماهی یه‌تومن برام می‌مونه. رانندگی‌رو هم که دوست دارم. واسه خاطر همین اومدم تو این کار. یه نامزدم دارم که شهرستانه هر از چندگاهی میرم دیدنش. برای همین باید کارم دست خودم باشه. نمی‌تونم یه‌جا استخدام شم، دست و پا گیره.

– محیط کارت خوب هست؟

– آره اتفاقا همه فکر می‌کنند ما خیلی محیط مردونه‌ای داریم. اما اصلا اینطوری نیست. سه‌تا خانومیم که با بقیه همکارای مرد خیلی راحت اونجا کار می‌کنیم. مردامونم الحق آدمای چشم‌پاک و خوبی هستند. همه‌چیز به آدمش بستگی داره. والا ما که از راننده‌بودن و کار تو آژانس بدی ندیدیم.

از زندگی‌اش می‌گوید، از روزهایی که می‌گذراند به‌عنوان راننده آژانس و مردمی که با آنها مواجه می‌شود. روان و آرام و عجیب. مثل یک خیابان خلوت در شهری پر ترافیک می‌رود و می‌گوید.

جهان دوم

نخل‌های بی‌سر

درخت نخل، درخت عجیبی است، خوزستانی‌ها می‌دانند که چه‌می‌گویم، تو گویی این درخت نبات نیست، چیزی شبیه به آدمیزاد است و بی‌جهت نیست که واحد شمارش آن همچون آدمیان، نفر است. نخل تنها درختی است که اگر سرش را قطع کنی می‌میرد، برخلاف همه درخت‌ها که سرشان را که می‌زنی بار و برگشان بیشتر هم می‌شود اما نخل نه؛ سرش را که قطع کردی می‌میرد، مهم نیست ریشه‌اش در خاک سالم باشد، نخل بی‌سر می‌میرد. این را نخستین‌بار از دکتر کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران آموختم، پیرمرد همیشه می‌گوید، فرهنگ مثل درخت نخل است، مهم نیست ریشه‌ات هزاران سال در خاک تاریخ است، مهم این است که سرت هم سالم باشد، یعنی نمود فرهنگی امروز جامعه‌ات هم سالم باشد، اگر فرهنگ امروز جامعه‌ای بیمار شد، آن فرهنگ می‌میرد ولو هزاران سال ریشه داشته باشد، وقتی از این گوشه دنیا به آن جامعه و مردمان نگاه می‌کنم به گمانم سر این نخل را بریده‌اند.

از تلگرام سام سلیمی

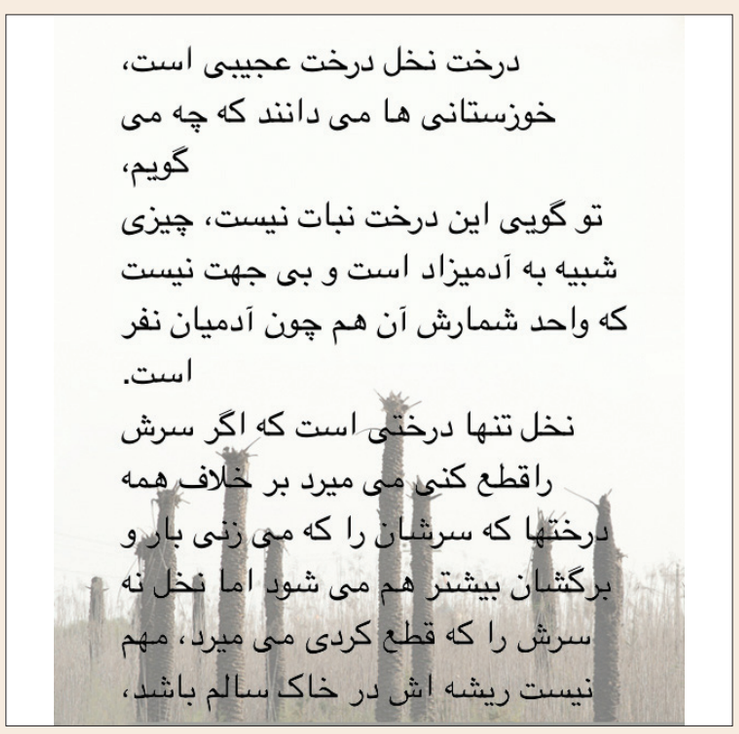

اقتراح

پرسشی درباره ورود کارگران چینی به کارخانه زرند

وقتی توانمندی کارگر ایرانی زیر سوال است

طرح‌نو|شادی خوشکار|بعد از کالاهای چینی حالا نوبت به کارگر چینی رسیده است. خبری که ابتدا در ایلنا منتشر شد و سپس واکنش‌های برخی از فعالان اجتماعی و کارگری را برانگیخت. مسأله‌شان این بود که چرا در شرایطی که کارگران ایرانی امنیت کاری ندارند و حقوق‌شان نامنظم پرداخت می‌شود، معاونت اجرایی باید به فکر وارد کردن کارگر باشد؟ معاونت اجرایی کارخانه زرند گفته است، این مسأله به‌دلیل نامطلوب بودن عملکرد پیمانکار ایرانی اتفاق افتاده و حالا چینی‌ها می‌خواهند جای آن را بگیرند. البته گفته شده که کارگران کارخانه بیکار نمی‌شوند بلکه در شرکت‌ها جابه‌جا می‌شوند اما فضای کاری کارگران ناامن‌تر از این حرف‌هاست.

وقتی «طرح‌نو» برای بررسی چرایی این امر از متخصصان اقتصادی و اجتماعی سوال می‌کند، یک موضوع تکرار می‌شود. توانمندی کارگر و پیمانکار ایرانی. شهلا کاظمی‌پور می‌گوید، نباید یکجانبه بنگریم زیرا احتمالا برای راه‌اندازی تجهیزات به ورود کارگر متخصص نیاز است و مهدی پازوکی نیز تأکید می‌کند، این کارگران قطعا کارگر ساده نیستند و توانمندی و تخصص‌شان است که پای‌شان را به ایران باز کرده. در غیر این صورت از منظر اقتصادی غیرعقلانی است. ابراهیم نکو از کمیسیون اقتصادی مجلس نیز می‌گوید، هنوز صحت و سقم این خبر برای نمایندگان مردم تأیید نشده تا واکنشی نشان دهند اما اگر به دلیلی غیر از کمبود تخصص کارگر ایرانی باشد، باید در آن تجدیدنظر کرد. در این میان چیزی که مغفول است، چرایی عدم برنامه‌ریزی برای توانمندسازی کارگر ایرانی است.

بازار کار باید به چرخش دربیاید

شهلا کاظمی‌پور
جامعه‌شناس

نمی‌شود درباره این خبر یکجانبه به قاضی برویم. ممکن است تجهیزاتی تهیه شده باشد که برای راه‌اندازی آن لازم باشد مهندسان و کارگران متخصص خودشان بیایند آن را راه‌اندازی کنند. من یکسری بررسی روی کارگران افغانستانی که به‌عنوان مهاجر آمده‌اند، انجام دادم. آنها معمولا به مشاغلی تن درمی‌دهند که ایرانی‌ها زیر بار آن نمی‌روند. بنابر این فکر نمی‌کنم سیاست خارج‌کردن آنها از مشاغل، تغییری در بازار کار ایران به وجود بیاورد و تغییری در بحران کار ایجاد نمی‌شود. چرا که بیکاری ما بیکاری تحصیلکرده‌هاست که من به آن بیکاری ساختاری می‌گویم. همین کارخانه زرند اگر آگهی بزند، ممکن است کارگر پیدا نکند. چون این قبیل مشاغل منطقه‌ای هستند و باید بومی‌های منطقه در آن فعال باشند. بنابراین نمی‌توانیم به‌صورت انتزاعی فکر کنیم و نتیجه بگیریم. این‌جا به جایی نیروی انسانی موضوعی جهانی است و ممکن است قراردادی با یک پیمانکار باشد و آن پیمانکار نیروی انسانی را خودش تهیه کند. همان‌طور که در عسلویه هم می‌بینیم که ساخت و سازها به این شکل انجام می‌شوند و کارگرها از شهرهای دیگر می‌آیند درحالی که بوشهری‌ها می‌گویند، ما بیکاریم. قطعا اگر آن نیروی کار با همان دستمزد حاضر شود کار کند به نفع کارفرماست که از داخل نیرو بگیرد مگر این‌که در چارچوب قرارداد بزرگتری باشد. درنهایت به نظر من هرچه بازارهای کار ایرانی و خارجی به چرخش دربیاید بهتر از این است که راکد باشد.

قضیه را سیاسی نکنیم

مهدی پازوکی
اقتصاددان

من بعید می‌دانم چنین مساله‌ای به این شکل باشد و کارگر ساده را از چین بیاورند. چون نیروی کار در ایران ارزان‌تر از چین است و این یکی از مزیت‌های اقتصاد ایران است که علاوه‌بر ارزان بودن قیمت انرژی، نیروی کار هم ارزان است و به‌صرفه اقتصادی نیست این نیرو را از خارج بیاوریم. بنابراین من بعید می‌دانم و احتمال می‌دهم که این نیرو، یک نیروی انسانی متخصص بوده، درغیر این‌صورت از نظر عقل انسانی بعید است. چراکه یک کارگر معمولی چینی حتی اگر بخواهیم هزینه زندگی‌اش را هم حساب کنیم، می‌بینیم هزینه بالاست. اگر این نیرو دارای آموزش‌های خاص باشد که من از آن به‌عنوان تکنولوژی تولید نام می‌برم و قرار است بیاید به کارگران ایرانی آموزش بدهد، منطقی است. درغیر این‌صورت از منظر اقتصادی، مقرون به‌صرفه نیست. الان در خیلی از کشورها به‌طور مثال آمریکا، بخشی از نیروی کار از خارج از آن کشور می‌آید. مثلا روس‌ها می‌روند یک تکنولوژی را راه‌اندازی می‌کنند و با آموزش کارگران باعث انتقال انرژی می‌شوند. بهتر است قضیه را سیاسی نکنیم. اخیرا می‌بینم در برخی فروشگاه‌های ایران دارند کارگر افغان می‌گیرند. خوب یا بدش بستگی به قوانین کار ما دارد اما درحال‌حاضر نیروی افغانستانی باعث شده هزینه تولید پایین بیاید. این نکته را هم ببینیم که پول نفت، ایرانی‌ها را تنبل کرده و خیلی‌ها حاضر نیستند شغل‌هایی مثل چوپانی و گله‌داری را انجام دهند. فکر می‌کنم خبر ورود کارگران چینی بیشتر جوی است که گروهی در ایران آن را ایجاد کرده‌اند که نمی‌خواهند سرمایه‌گذاری خارجی در ایران صورت گیرد. سرمایه‌دار دنبال سود اقتصادی است و بهتر است نیروی کار ارزان بگیرد. اگر این نیروی متخصص در ایران نیست، من موافقم که از خارج وارد شود.

دامن زدن به ناراحتی و بدبینی

ابراهیم نکو
عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

اگر ورود این کارگران در اثر کمبود تخصص و نیروی وارد در این حوزه باشد، پس باید وارد شوند ولی در عین حال آثار منفی خودش را به‌جا خواهد گذاشت. در ابتدا بین افراد بیکار و غیرشاغل و تحصیلکرده که برخی از آنها در بعضی از زمینه‌های نزدیک تخصص دارند، بدبینی به وجود می‌آید و وزارتخانه مربوطه باید پاسخگو باشد که چرا چنین تصمیمی اتخاذ شده است. درحالی که کالای چینی بازارهای ما را پر کرده و حالا کارگر چینی هم دارد وارد می‌شود. نکته بعدی این است که ما به چه دلیل این اقدام را در شرایط کنونی درحالی که بعید می‌دانم تخصصی در اختیار شهروندان خودمان نباشد انجام می‌دهیم و شائبه‌هایی ایجاد می‌کنیم که می‌تواند به نارضایتی و بدبینی بیشتر دامن بزند. از سوی دیگر، ورود آنها فرهنگ‌هایی که وارد می‌کنند که متفاوت و حتی در برخی موارد ناهمگون با فرهنگ ما است و آثار فرهنگی خود را به جا می‌گذارد. نکته بعدی امکاناتی است که در اختیار آنها گذاشته می‌شود و هزینه‌بر است و بهتر است تجدیدنظر صورت بگیرد. البته در بین نمایندگان هنوز صحت و سقم این خبر انعکاس پیدا نکرده و فکر می‌کنم به محض انعکاس و تأیید آن، نمایندگان واکنش نشان خواهند داد و این واکنش نیز جمعی خواهد بود.